



17 اپریل 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش چهل و سوم)

(ادامه) نقش انگلیسها در سقوط دوره امانی:

5 - لیون پولادا در کتاب "اصلاحات و انقلاب 1929" شرحی مبسوط و تحلیلی طی دوازده فصل درباره رویداد های عمده ده سال سلطنت شاه امان الله ارائه کرده و در فصل یازدهم بر زوایای مختلف روابط با برتانیه روشنی انداخته و نیز به این سؤال که آیا برتانیه با عملیات سری در سقوط دوره امانی نقش داشته، جواب گفته است. پولادا به این نظر است که: «در جمله اسناد بدسترس گذاشته شده اسنادی موجود است که حاکی از عدم مداخله انگلیس میباشد و در بین اسناد سری انگلیس پلان و اقدام برای از بین بردن حکومت امان الله خان ولو به قسم نهانی و سری دیده نمیشود. با آنهم میتوان اعتراف کرد که دستگاه استخباراتی انگلیس پلان بر انداختن امان الله خان را طوری ترتیب کرده بود که پلان مذکور در اسناد رسمی ظاهر نگردد و یا اینکه مامورین سرحدی برای خشنود ساختن آمرین خویش اقدامات شخصی برای از پا در آوردن حکومت امان الله خان را کرده باشند. در حالیکه این امکانات را نمیتوان بطور قاطع تردید کرد و یا راجع به فعالیت های سیاسی معلومات مؤثق داشت. با آنهم نظر به دلایل سه گانه ذیل مداخله برتانیه در از بین بردن [رژیم] امان الله خان بعید به نظر می آید: اولاً اخفای مطلق یک عملیات سری برای بر انداختن یک حکومت شاهی به ترتیبی که در صدها ورق رسمی به آن اشاره نگردیده باشد، مشکل و ناممکن است. ثانیاً عملیات سری در قبایل ضرورت به همکاران، راه بلدان، جاسوسان و محرکین دارد و اشتراک کنندگان این اعمال بالاخره به شکل از اشکال به دوست و آشنا و یا همسایه و رفیق حکایت و آن عمل خفیه آفتابی میگردد، در حالیکه در طول همه آن جریانات سند موثقی دیده نمیشود که برتانیه از خان و خوانین و یا از روحانیون برای از پا در آوردن حکومت امان الله خان طلب امداد کرده باشد. ثالثاً در شیوه تعویل و اجراءات پالیسی و هم در اسناد رسمی برتانیه دلایلی موجود است که احتمال از بین بردن حکومت امان الله خان را ذریعه مداخله مستقیم برتانیه تردید مینماید.» (پولادا، لیون: "اصلاحات و انقلاب 1929"، مترجم: داکتر عبدالباقی یوسفزی، نبراسکا، 1989، صفحه 265 - 266)

پولادا واقعات مشهودی را که همه از آن سخن گفته اند، با ذکر مآخذی رد میکند از جمله می نویسد: «زبان زد عوام است که وقتی بچه سقو در دسمبر 1928 به کابل حمله کرد و زخمی شد، سفارت انگلیس او را تداوی کرد؛ اینست ثبوت آغستگی برتانیه در انقلاب [اغتشاش]، در حالیکه خاطرات آتشه نظامی برتانیه L. W. Best که جریانات جنگ را در هر ساعت بقید تحریر در آورده و از جمله اسناد مخصوص و سری میباشد و از پناه گزینی و یا تداوی بچه سقو ذکر بمیان نیامده است. خبر دیگر که در افغانستان شیوع یافت توزیع کردن عکس برهنه ملکه ثریا بین قبایل توسط نمایندگان انگلیس بود، در حالیکه مراکز استخباراتی انگلیس در قبایل در مکاتیب رسمی به آمرین خود خبر فوق را تکذیب کرده و نوشته اند که یکی از مخالفین امان الله خان عکس ملکه ثریا را که در یک دعوت رسمی با لباس رسمی گرفته شده بود، بین قبایل توزیع نموده است. بهترین مثال این نوع پروپاگانداها فرستادن کرنیل

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

لارنس معروف بغرض تحریک بین قبایل است. نه تنها نوشته های زیاد که راجع به حیات لارنس در دست است، این ادعا را تکذیب مینماید، بلکه مطالعه او را قزاق زندگانی او در هند که در آنوقت بنام مستعار "ایرمن شاو" یاد می شد، نیز با نظریات فوق متناقض است. ظاهر شدن مؤقت او در سرحدات در ایام انقلاب [اغتشاش] سبب خجالت انگلیسها گردید و به مجردیکه وجود لارنس سوء تفاهم و اشتباه خلق کرد، او را از منطقه دور ساختند. مرادوات سری مامورین عالیرتبه انگلیس آشکار میسازد که لارنس در انقلاب [اغتشاش] دستی نداشت.» (پولادا... صفحه 268 – 269)

پولادا با آنها اذعان میدارد که: «انکار دولت در محضر عوام البته طرف اشتباه و قابل سؤال است، زیرا حکومت آنچه در ملاء انکار مینماید، در خفا اجراء میکنند... شک نیست بر تانیه برای جلب روحانیون و خوانین معاش مستمری میداد و شهرت محبوب علی سکرتر امور شرق در سفارت انگلیس که مؤظف اینکار بود معلوم است، ولی اینگونه عملیات با ازیا در آوردن یک سلطنت جداگانه میباشد.» (پولادا... صفحه 270)

پولادا می نویسد: «پس ملاحظات فوق ما را باین نتیجه میرساند که روابط انگلیس با حکومت امان الله خان بر پایه دوستی استوار نبود، پیچیدگی های جغرافیای سیاسی (جیوپولیتیک) منطقه، تفاوت روحی، روشهای سیاسی، تصادم شخصیت های جانبین در میان موجود بود؛ کشیدگی های مذکور اجازه نداد که پروگرامهای تجدد و انکشافی امان الله خان طوریکه آرزو داشت، براه افتد. در نتیجه آن کشیدگی ها از چندین رهگذر محرک انقلاب [اغتشاش] گردیده و به ضرر امان الله خان تمام شد. از بین رفتن حکومت امان الله خان با عملیات سری بر تانیه ارتباطی نداشت. علت اساسی سقوط سلطنت امان الله خان توسعه اقتدار حکومت مرکزی و تصادم آن با قبایل [اقوام] بود.» (پولادا... صفحه 271)

توضیحات فوق مبنی بر عدم مداخله سری بر تانیه در سقوط دوره امانی با تأکید بر اینکه هیچ سند در مآخذ رسمی منتشر شده انگلیسها در زمینه در دست نیست، بسیار شباهت به ضرب المثلی در زبان دری دارد که: "از روباه پرسیده شد شاهدهت کیست؟ در جواب گفت: دُم". اکنون پولادا نیز مداخله سری انگلیس ها را در سقوط سلطنت امان الله خان به دلیلی رد میکند که در اسناد منتشر شده انگلیسها چنین مدارکی وجود ندارد. در این ارتباط باید خاطر نشان ساخت که انگلیسها طی دو قرن گذشته در فعالیت های مخفی استعماری خویش تجارب بسیار اندوخته اند تا در همچو حالات و مواقع هیچ مدرک و سندی را مبنی بر دخالت خویش بجا نگذارند و دست های دراز خود را ظاهراً از آستین دیگران بیرون نمایند تا مبادا موجودیت سند، موجب سوء ظن و ایجاد فضای بی اعتمادی و تحریک مردم به قیام علیه آنها نشود و شخص یا اشخاص مطلوب شانرا نزد عوام رسوا نسازد. لذا آنها همیشه سعی داشتند تا کوچکترین سند را مبنی بر دخالت خویش در موارد حساس و مهم بدست ندهند و راز فعالیت های سری و مخفی خود را افشاء نکنند. به این اساس فقدان سند حتماً معنی عدم مداخله را نمیدهد.

پولادا در آغاز همین فصل کتاب خود به موضوعاتی اشاره میکند که بیان آن خصومت و عناد جدی انگلیسها را با شاه امان الله و عدم تحمل آنها را از اقدامات شاه امان الله از آغاز تا انجام سلطنت او به وضاحت نشان میدهد و این بذات خود دلیل بسیار مهمی است که آنها با همه نیرنگها تلاش داشتند تا او را از قدرت برکنار کنند و بجایش شخص مورد اعتماد خود را جاگزین سازند. برای وضاحت موضوع اینک به ذکر مختصر برخی از نکات مهم از همان فصل پرداخته میشود:

1 – «بر تانیا از دونگاه به افغانستان علاقه داشت: یکی از لحاظ جغرافیای سیاسی (جیو پولیتیک) و دیگر از خوف خطراتی که از طریق افغانستان متوجه هند میگردد... هند به منزله گوهر ذقیمتی در تاج

انگلیس جا داشت و دفاع امپراتوری وظیفه مقدس هر انگلیس بود و این مسئولیت از یک عسکر انگلیس آغاز و به سیاستمداران بزرگ می انجامید. انگلیس میدانست که امپراتوری بزرگ آنرا روس از طریق افغانستان مستقیماً و ذریعه تحریک قبایل جنگجوی سرحدات تهدید کرده میتوانست. بنابراین در مرور ایام برای دفاع از هند پالیسی پرپیچ ولی عملی را طرح کرده بود که اهداف چهارگانه ذیل را در نظر داشت: - اول وارد کردن فشار سیاسی و در صورت لزوم اقدامات عسکری بر علیه روس از طریق اروپای شرقی و بالقائات؛ - دوم حفظ افغانستان بحیث یک دولت حایل بمقابل روس؛ - سوم فشار بر حکومت افغانستان و امتناع از نفوذ بر قبایل سرحد آزاد؛ - چهارم پالیسی پیشرفت مداوم بسوی قبایل بمنظور تسخیر آن (فارورد پالیسی).... انگلیس میخواست زمامداران افغانستان فرمانبردار و همکارشان بوده و افغانستان دولت زیر نفوذ شان بماند و برای این هدف از وسایل سه گانه ذیل استفاده میکرد: - اول اداره امور خارجی افغانستان ذریعه برتانیای؛ - دوم امداد مالی وافر؛ - سوم کنترل ورود اشیای وارداتی مخصوصاً اسلحه از طریق هند.... عبدالرحمن خان با این پالیسی مخالفت نکرد، امیر حبیب الله خان با بی میلی آنرا قبول کرد و امان الله خان آنرا تماماً تردید نمود و اولین اقدام امان الله خان پس از جلوس به سلطنت اعلان آزادی مطلق افغانستان بود.... این تصمیم امان الله خان با منافع انگلیس تصادم میکرد و آنها را از سه جهت نگران ساخته بود: - اول فعالیت های آزادیخواهان هند؛ - دوم خطرات و تهدید های بلشویک ها توسط آزادی خواهان هند؛ - سوم پیشرفت تکنالوژی مخصوصاً در ساختمان طیاره و تأثیر آن در قوای نظامی. « (پولادا... صفحه 239 - 241)

2 - «اعلان آزادی سیاست خارجی امان الله خان و قیام روابط قریب با روسیه، انگلیسها را پریشان ساخته و انگلیس را از امان الله خان بیگانه ساخت....؛ انگلیس از امکانات تأسیس پایگاه هوایی روس در افغانستان خوف داشت... وقتی انگلیس از تصمیم امان الله خان راجع به تربیه پیلوتهای افغان در روسیه و ورود استادان روسی با طیارات ساخت روس و بالاخره تأسیس ارتباط هوایی ملکی با روسیه آگاه شد، خوف و دهشت بزرگی دامنگیر آنها شد.» (پولادا... صفحه 242 - 243)

3 - «انگلیس رویدادهای ذیل افغانستان را ناشایسته میدانست: - حمله بدون موجب و بدون تحریک [مقصد از اولین حمله قوای افغانی در محاذ خیبر است]؛ - استفاده از حربیه مذهبی یعنی اعلام جهاد علیه انگلیس؛ - روابط امان الله خان با آزادی خواهان و آنده هندوستانی های انقلابی که در روسیه زندگی میکردند؛ - تحریک قبایل ماورای سرحد دیورند بر علیه انگلیس؛ - اقدامات سیاسی برای گرفتن امداد از شوروی. این فعالیتها خنجری بود در قلب سیاست امپراتوری برتانیه.» (پولادا... صفحه 244)

4 - «جنگ استقلال افغانستان، انگلیس را بر علیه رهبر جدید افغانستان [امان الله خان] خشمگین و بدبین ساخت. جنگ استقلال که بیش از یکماه دوام نکرد به امان الله خان موقع داد بر انگلیسها فشار سیاسی وارد کند تا در مذاکرات صلح شرایط مساعدتری را از ایشان حاصل نماید و انگلیس را با این واقعیت متوجه سازد که فضای سیاسی تحول کرده و قدرتهای جدید منطقوی بروز کرده است.» (پولادا... صفحه 246 - 247)

5 - «برهم خوردن روابط امان الله خان با برتانیای دو علت داشت: یکی تفاوت در اصل پالیسی و دیگری در شیوه معامله طرفین. از نگاه انگلیس فعالیت های امان الله خان خطرات سه گانه ذیل را متوجه هند میساخت: امان الله خان عقیده داشت که افغانستان بحیث یک دولت مستقل حق تأسیس روابط دوستانه با روسیه دارد، همچنین از وجایب پادشاه یک دولت مستقل مسلمان است که از برادران مسلمان خود که در هند اسیر هستند، پشتیبانی نماید، بالاخره تأسیس روابط با اقوام ماورای خط

دیورند را که با افغانستان ارتباط عرفی، مذهبی و تاریخی دارند و برتانیه در معاهده 1921 این حقیقت را اعتراف و از حقوق طبیعی افغانستان شناخته است، مجاز میدانستند.» (پولادا... صفحه 249)

6 - «امان الله خان در تعقیب این پالیسی تا جایی حق بجانب بود، اما شیوه تطبیق او از سیاست دور و از مخالفت تعصب آمیزش بر علیه برتانیه نمایندگی میکرد. به نظر یکی از اهل خبره امان الله خان به بلشویک ها اعتماد نداشت و از ایشان نفرت داشت، ولی برای زجر و اذیت انگلیسها با روسها در محضر عام از در محبت و دوستی پیش آمد میکرد. همچنین او صرف با داشتن روابط نیک و یا احتمال نفوذ در قبایل قناعت نداشت، بلکه عملاً قبایل را با دسایس متعدد بر علیه برتانیه اغوا و تحریک میکرد. امان الله خان میتواندست فعالیتهای سیاسی سیری داشته و به آزادی خواهان مخفیانه کمک نماید، اما برعکس به آزادی خواهان افراطی هند و پیشوایان مهاجرین هندی مقیم کابل با وجود اینکه میدانست که ایشان با بلشویکها همدست اند، علناً کمک میکرد.» (پولادا... صفحه 250)

7 - «اینگونه سوء تعبیرات و غلط فهمی ها بود که زمینه را برای کشیدگی های بعدی مساعد ساخت. از آنجائیکه چنین کشیدگی ها از موضوعات مشهور و روزمره سیاسی آسیای مرکزی بود، لذا مطالعه آن جریانات برخی از مشاهدین را با این نتیجه رسانید که محرک و دسیسه ساز انقلاب [اغتشاش] در افغانستان انگلیس بود.» (پولادا... صفحه 250)

8 - «فعالیت های برتانیای در سرحدات به نوبه خود بر حجم اختلافات افزود. برتانیای تحولی در پالیسی پیشرفت مداوم (فارورد پالیسی) خویش که منجر به انسداد تدریجی سرحدات میگردد، وارد کرد و به تدریج و بدون جنگ داخل سرحدات گردید و خطوط مواصلاتی خود را یعنی خط آهن و جاده ها را تا سرحد افغانستان امتداد داد. افغانستان این عمل انگلیس را محاصره و قرانطین افغانستان خواند و هیجان بزرگی را در مملکت خلق کرد. برای حل مشکل امان الله خان با حکومت انگلیس در تماس شد، اما حکومت هند برتانوی با اعتراض او وقعی نگذاشت.» (پولادا... صفحه 253)

9 - «برتانیای بطور همیشه مشکلات ترانزیتی برای اموال افغانستان مخصوصاً اسلحه ایجاد میکرد، چنانچه در شورش خوست به اسلحه که افغانستان از جرمنی و فرانسه خریداری کرده بود، اجازه ورود به افغانستان نداد. محمود طرزی سفیر افغانستان در پاریس این عمل را تخطی صریح از حق حاکمیت ملی افغانستان دانست.» (پولادا... صفحه 254)

10 - «برتانیای معاهدات دوستی افغانستان با ایران، ترکیه و روسیه را که عداوت با انگلیس از آن استنباط می شد، با شک و تردید نگرینسته و نارضایتی خویش را اظهار داشت...؛ به تعقیب این معاهده ترکها جمال پاشا را بحیث رئیس هیئت نظامی و فخری پاشا را که از بدبینان درجه اول انگلیس بود، به حیث سفیر به افغانستان اعزام داشت.» (پولادا... صفحه 254-255)

11 - «برتانیای از مدت ها قبل برای افغانهای فراری معاش مستمری میداد و آنها را زیر مراقبت میداشت. این فراریها در هنگام اغتشاش داخلی افغانستان در سرحدات ظاهر شده و ادعای مقام سلطنت افغانستان را مینمودند. امان الله خان یقین داشت که برتانیای آن مدعیان کاذب را برای تهدید شاهان افغانستان ذخیره کرده است...؛ ظهور عبدالکریم پسر محمد یعقوب خان به حیث رهنمای شورش خوست بدون کمک انگلیسها صورت گرفته نمیتوانست، همچنین در انقلاب [اغتشاش] 1928-1929 محمد عمر پسر محمد ایوب خان در مومند ظاهر شد و ادعای سلطنت کرد.» (پولادا... صفحه 255)

12 - «بعضی از انگلیسها پیشرفت و عصری شدن افغانستان را برای هندوستان خطرناک می دانستند و خوف داشتند که افغانستان مترقی مثالی برای ممالک آزاد آسیایی خواهد شد. طرفداران این نظریات که عموماً صاحبمنصبان عسکری بودند،...میخواستند از اعطای هرگونه امتیاز به هر شکل که باشد، در معامله با امان الله خان باید خودداری شود.» (پولادا... صفحه 257)

13 - «نفرت و بدبینی انگلیس را میتوان در شخص سرفرانسس همفریز وزیرمختارانگلیس در کابل ملاحظه کرد. همفریز در سال 1922 پس از امضای معاهده 1921 وارد کابل شد و تا سقوط امان الله خان در کابل ماند و دوره خدمت وی مساوی با دوره سلطنت امان الله خان بود... همفریز شخص با کفایت اما متکبر و سرشار از غرور انگلیسی بود. امکانات یک سفیر خوب در او موجود بود، اما او از فهم آن تحولات در آسیای مرکزی عاجز بود و نتوانست با احساسات ملیت گرایی، آزاد منشی منطقه و برنامه های انکشافی امان الله خان بسازد. او امان الله خان را یک پادشاهی میدید که مانند یک هنرپیشه (اکتور) روی صحنه تمثیل برآمده باشد. امان الله خان را احمق میدانست که حاضر به دور انداختن تمام ارزشهای عنعنوی خویش میباشد. در رفتار و اعمال امان الله خان خطر بزرگی برای هندوستان میدید. همفریز شخصاً بدبین امان الله خان بود. امان الله خان به نوبه خود او را با طعنه های متعددی مانند باختن بازی کرکت به افغانها، اذیت میکرد. از اسناد رسمی که اکنون بدست آمده برمی آید که نفرت شخصی همفریز از امان الله خان و پالیسیهای وی موجب خرابی روابط دولتی شد. نفرت همفریز به اندازه عمیق بود که حکومت هند و حکومت لندن برخی از پیشنهادات او را تردید کردند... همفریز سفر اروپایی امان الله خان را به نظر بد دیده و کوشید که پذیرائی وی در هند به آن سویه نازلی قرار گیرد تا امان الله خان حد خود را بشناسد و خواست امان الله خان را مانند طفلی به نسبت پیش آمدهایش سزا دهد.» (پولادا... صفحه 258)

14 - «وقتی قوای بچه سقو کابل را محاصره نموده بود، همفریز خارج از حدود صلاحیت خویش به حقوق فضائی افغانستان تجاوز کرده و اوراق پروپاگندی ضد حکومت امان الله خان را از طریق فضا پخش کرد که در نتیجه این عمل مکاتبات جدی بین طرفین تبادل گردید، اما همفریز به اعتراضات افغانستان وقعی نگذاشت.» (پولادا... صفحه 259)

15 - «همفریز برای اینکه امان الله خان را اذیت کرده باشد به او می گفت که پروگرامهای انکشافی خود را ترک کند و به تقاضای ملاها و افراتیون مذهبی تسلیم شود. وقتی امان الله خان مقام سلطنت را برای برادرش عنایت الله خان واگذار شد، همفریز آنرا یکی از فریب های امان الله خان خواند و امر اخراج اعضای سفارت را از کابل داد و با این اقدام خود امکان همکاری سایر دول دوست افغانستان را از بین برد، چون یگانه وسیله خروج دیپلوماتهای مقیم کابل طیاره های برتانیا بود. همفریز حکومت انگلیس را وادار ساخت تا حکومت سایر نمایندگی های سیاسی مقیم کابل را مجبور نماید که مامورین خود را از کابل خارج کنند و در عین حال به نمایندگان خارجی اجازه اقامت در هند نمداد. همفریز با از بین بردن دستگاه دیپلماسی از کابل کرسی سلطنت را برای همه داوطلبانی که در صحنه آمده بودند، عرضه کرد و این تجویز به نفع نادرخان که همفریز از او حمایت میکرد، تمام شد.» (پولادا... صفحه 260)

16 - «در راپورهای خود همفریز متواتر به لندن می نوشت که امکان حفظ کرسی سلطنت برای امان الله خان از بین رفته است و نادرخان را به حیث بهترین نامزد مقام سلطنت پیشنهاد و توصیه میکرد که تسهیلات لازمه برای مراجعت وی به افغانستان فراهم گردد. وقتی همفریز اطلاع یافت که

بچه سقو هیئتی را نزد نادرخان اعزام و او را دعوت نموده است، از این اقدام بچه سقواستقبال کرد و به حکومت هند توصیه نمود تا در تهیه وسایط عبور هیئت مذکور حتی از امداد پولی دریغ ننمایند.» (پولادا... صفحه 260)

16 - «راپورهای منفی همفریز تأثیر ناگوار خویش را کرده و برتانیای اعلام بیطرفی خویش را برحسب دلایل ذیل صادر کرد: برتانیای با امان الله خان روابط دوستانه نداشته و دلیلی در بین نبود که انگلیس از خودگذری کرده و به امداد امان الله خان می آمد. وضع برتانیای به علت آزادی خواهان هند متزلزل و حاضر نبود در معاملات داخلی یک مملکت مداخله کرده و موقعیت خویش را ضعیف سازد و بالاخره برتانیای نمیخواست زمینه مداخله روس را به افغانستان مساعد سازد و یا آن روابط سیاسی را که با صبر و حوصله با روسیه قایم ساخته بود، صدمه زند. در عین زمان امان الله خان با استغفی بیموقع و شتاب زده ای خود برای انگلیس موقع مساعدی خلق کرد و برتانیای استغفایش را فوراً به رسمیت شناخت و از امداد یا مداخله در افغانستان خوداری کرد...؛ لذا حکومت چمبرلین بیطرف کشورش را چنین اعلام داشت: "حکومت برتانیای آرزوی مداخله در امور داخلی افغانستان را ندارد و حاضر نیست به هیچیک از مدعیان مقام سلطنت امداد و یا از ایشان حمایت نماید. حکومت انگلیس جداً طرفدار یک حکومت مرکزی مقتدر در افغانستان بوده و حاضر است در صورت وجود چنین یک حکومت با مردم افغانستان از در دوستی پیش آمده و امداد لازمه را برای اعمار دوباره و انکشاف آن مملکت عرضه نماید. اعلیحضرت امان الله خان استغفای خویش را رسماً به حکومت انگلیس اعلام کرده است. تا زمانیکه که مردم افغانستان او را دوباره به پادشاهی قبول نکنند، برتانیای حکومت امان الله خان را به رسمیت شناخته نمیتواند."» (پولادا... صفحه 263 - 264)

17 - «ابلاغیه بیطرفی انگلیس از چندین جهت بر علیه امان الله خان تمام شد: اولاً این ابلاغیه به تمام دنیا رسانیده شد که حکومت انگلیس امان الله خان را پادشاه افغانستان نمی شناخت و این خبر بین قبایل نیز انتشار یافت؛ ثانیاً ابلاغیه مذکور امان الله خان را همقطار سایر مدعیان مقام سلطنت که عبارت از بچه سقو، علی احمد جان، محمد عمر جان، غوث الدین و نادرخان باشد، قرار داد - به عبارت دیگر ابلاغیه انگلیس موقعیت قانونی امان الله خان را به سویه ادعاکنندگان دیگر تنزیل داد و بالاخره آن امتیاز قانونی که رئیس یک دولت برای اخذ امداد اسلحه، قرضه و امداد نظامی از سایر ممالک دارد، از بین برد. چنانچه وقتی امان الله خان استغفای خود را باطل ساخت و از برتانیای در مقابل پول نقد طلب کمک اسلحه کرد، حکومت انگلیس با سردی جواب داد که ابطال استغفای او را قبول نداشت و او را یکی از مدعیان مقام سلطنت می شناسد و علاوه نمود که پالیسی بیطرفی انگلستان اجازه امداد را به هیچ یک از مدعیان سلطنت نمیدهد.» (پولادا... صفحه 265)

18 - «روابط افغانستان و انگلستان در عصر امان الله خان قناعت بخش نبود و به همین دلیل عده زیادی از نویسندگان، انگلیسها را محرک انقلاب [اغتشاش] دانسته اند. اکثر افغانها وعده ای از دانشمندان ایمان کامل داشتند و دارند که انقلاب [اغتشاش] 1928-1929 افغانستان ساخته و بافته انگلیس بود. قسمت اعظم مطبوعات جهان و نشرات افغانستان نظریه فوق را تأیید و پخش نموده اند. مطبوعات روسیه، فرانسه و جرمنی مشتعل کننده آتش انقلاب [اغتشاش] برتانیای را می شناختند. مطبوعات دست چپ اکثر ممالک نظریات روسیه را پیروی میکردند. سفرای انگلیس از استانبول، روم و برلین نتایج مصاحبه های شخصی و یادداشت های مطبوعاتی خویش را به وزارت خارجه انگلیس ارسال و اظهار مینمودند که نمایندگان سیاسی این مراکز علناً و یا ضمناً برتانیای را محرک انقلاب [اغتشاش] افغانستان میدانند. حتی مطبوعات امریکا از سیاه کاری و تباہ کاری انگلیس

دراغتشاش افغانستان سخن میراند. صرف چندصدای محدود به دفاع از انگلیس بلند شد؛ "مارننگ پوسټ" (Morning Post) اشاره ضمنی "دیلی میل" (Daily Mail) را با زشتی تمام تردید کرد؛ "لیری رو" در مقاله "شیکاگو دیلی فورچون" نوشت که برتانیای در انقلاب افغانستان دست نداشت. عده ای زیاد دسیسه انقلاب [اغتشاش] را به کرنیل لارنس معروف که نام مستعار "ایرمن شاو" را انتخاب نموده بود، نسبت داده اند. اسم لارنس با تصورات و تمایلات افسانوی مطبوعات موافق افتاد و داستانهای لارنس و عملیاتش در سرحد ورد زبانها شد. «(پولادا.. صفحه 262-263)

از نکات فوق میتوان نتیجه گرفت: با آنکه پولادا نقش مخفی و سری برتانیای را دراغتشاش افغانستان که موجب سقوط سلطنت امانی گردید، رد میکند و اغتشاش را بیشتر مربوط به موقف حکومت و اقوام میداند، اما اگر به مطالب متذکره فوق که همه از قول او اقتباس شده است، به دقت نظر انداخته شود، واضح میگردد که روابط برتانیای با شاه امان الله از آغاز تا ختم سلطنت او همیشه پرتشنج، فاقد نشانه های حسن نیت و اعتماد ذات الیینی بوده که انگلیسها موجودیت شاه امان الله را مانع نیل به اهداف خود میدانستند و در صدد برکناری او از قدرت و سلطنت بودند و میکوشیدند بجای او یکی از معتمدان خود را بر کرسی سلطنت افغانستان بنشانند و یا وضع را چنان تغییر دهند تا شاه امان الله را مجبور به اطاعت از خود سازند. برای این مقصد آنها کوشیدند تا حین شورش خوست در 1924 عبدالکریم پسر امیر محمد یعقوب خان را با ادعای سلطنت به پیش بکشند و همچنان بار دیگر در آستانه اغتشاش 1928-1929 حضور محمد عمر پسر سردار ایوب خان در حواشی سرحد نشانه آشکار دست انگلیس را بیان میکند که نمیتوان از آن انکار کرد.

پولادا به استناد بعضی مآخذ تداوی حبیب الله کلکانی را بوسیله سفارت انگلیس رد میکند، در حالیکه خود حبیب الله بزبان خود به این موضوع اعتراف مینماید. همچنان او نشر و توزیع عکس ملکه ثریا را کار یکی از مخالفین شاه امان الله میداند که از ملکه در یک مهمانی رسمی عکس برداشته و آنرا به نشر سپرده و در بین قبایل سرحد پخش نموده است، اینکه همچو کار از عهده یک شخص و آنهم یک مخالف بدون ذکر نام بدر شده میتواند، بذات خود یک سؤال است. علاوه پولادا نقش لارنس را در تحریکات اغتشاش علیه شاه امان الله نفیه میدارد، در حالیکه این موضوع در آنوقت یک غوغای عظیم را در مطبوعات جهان برپا کرد و انگلیسها مجبور شدند او را فوری از ساحات سرحد خارج و به انگلستان فرا خوانند.

از همه مهمتر روابط شاه امان الله با همفریز و کارهائیکه او به حیث وزیر مختار باصلاحیت و قابل اعتماد انگلیس که در افغانستان مدت ده سال ایفای وظیفه کرد، این سؤال را مطرح می سازد که چگونه یک سفیر میتواند مغایر با پالیسی های دولت خود به چنین اقدامات عنودانه علیه شاه کشوری که او در آنجا عهده سفیر را دارا است، اقدام نماید، مگر آنکه همچو اقدامات او به تأسی از هدیایات وزارت خارجه کشورش بوده باشد. اعلامیه چمبرلین صدراعظم انگلیس مبنی بر پالیسی بیطرفی برتانیای در امور داخلی افغانستان، اساساً به مفهوم بیطرفی نه، بلکه جانبداری و زمینه سازی به نفع دیگر هواداران سلطنت را معنی میداد و جز یک فریب سیاسی بود و آنهم به مقصد دورنگهداشتن روسیه از امور افغانستان که در عین زمان به مقصد مخالفت با شاه امان الله و سقوط سلطنت او مطرح گردید تا بدانوسیله انگلیسها زمینه بقدرت رساندن یکی از معتمدان دیرینه خود را که سپهسالار محمد نادر خان بود، مساعد سازند. وارد کردن فشار سیاسی بر کشورهای دوست افغانستان که باید دیپلماتهای خود را فوری از افغانستان خارج سازند، موضوع دیگری بود که به مقصد تضعیف موقف شاه امان الله و تقویه رقبای او بوسیله همفریز و به هدایت حکومت انگلیس عملی گردید. اینکه پولادا کوشیده تا بر

موضوع مداخله و دست داشتن انگلیسها در سقوط دوره امانی به دلیل فقدان اسناد سرپوش بگذارد، دلایلی بسیار منطقی که بعضاً خودش به آن اعتراف کرده است، ثابت می سازد که او در این قضاوت خود اشتباه کرده است.

ناگفته نباید گذاشت که کتاب "اصلاحات و انقلاب 1929" در مسایل دیگر مربوط آن دوره بخصوص در شرح و ارزیابی اهمیت و لزوم اصلاحات بنیادی در افغانستان و در عین زمان عکس العمل های علما و محافظه کاران مذهبی و انگیزه های آن و همچنان روابط دولت افغانستان با قبایل ماورای سرحد از اهمیت خاص برخوردار است و یکی از مآخذ معتبر در ارتباط به دوره ده ساله امانی محسوب میشود.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ